

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**دانشگاه گیلان**

**دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی**

**گروه زبان و ادبیات فارسی**

**نظریهٔ بازتاب واقعیت در داستان‌های صادق هدایت**

**از:**

**محدثه هادوی**

**استاد راهنما:**

**جناب آقای دکتر علی تسلیمی**

**استاد مشاور:**

**جناب آقای دکتر عباس خائفی**

**دی ۱۳۸۹**

تقدیم به دو فرشته‌ی مهربان و صبور زندگی ام پدر و مادر عزیزم؛

و نیرد و خواهر و برادر مهربانم،

که همواره یار و یاورم بوده‌اند و بی‌مردن این مسیر بدون دستگیری‌ها و همراهی‌های آنان کاری بس دشوار می‌نمود.

## تقدیر و تشکر

تشکر و سپاس از آن خداوندی است که مهربان‌ترین مهربانان است و حضور صمیمی اش موجب دلگرمی بندگان. در این راه دشوار، یاری ها و دلگرمی های عزیزانی پشتوانه می کارم بود که بر خود واجب می دانم از زحمات ایشان قدر دانی کنم. از جناب آقای دکتر تسلیمی به عنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر خائفی به عنوان استاد مشاور بسیار سپاس گذارم که در این راه زحمات های زیادی راه متحمل گردیده اند تا بتوانم این کار را به پایان برسانم بی شک اگر راهنمایی های ارزنده ی این دو بزرگوار نبود، قادر به پیمودن این مسیر نبودم؛ نیز استادان عزیز می که هفت سال افتخار شاگردی شان نصیبم گردیده و در محضر آنان مطالب فراوانی آموختم ام و بهترین سخات زندگی ام را در کنار آنان و در کلاس درسشان گذرانده ام، بی نهایت سپاس گذارم.

## فهرست مطالب

## صفحه

خ	چکیده فارسی .....
د	چکیده انگلیسی .....
۱	مقدمه .....
۵	<b>فصل اول: کلیات .....</b>
۶	۱-۱ بخش اول: درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات .....
۷	۱-۱-۱ رابطه‌ی جامعه و ادبیات .....
۸	۲-۱ بخش دوم: نظریه پردازان جامعه‌شناسی ادبیات .....
۱۰	۱-۲-۱ جامعه‌شناسی تولید اثر ادبی .....
۱۱	۲-۲-۱ جامعه‌شناسی محتوای اثر ادبی .....
۱۳	۳-۱ بخش سوم: آراء بزرگ‌ترین نظریه پردازان جامعه‌شناسی ادبیات .....
۱۳	۱-۳-۱ پیشالوکاچی (مارکس و انگلس) .....
۱۷	۲-۳-۱ لوکاچی .....
۱۸	۱-۲-۳-۱ لوکاچ و نظریه‌ی بازتاب واقعیت .....
۲۴	۲-۲-۳-۱ گلدمن و روش ساختگرایی تکوینی .....
۳۰	نمودار شماره ۱ .....
۳۰	نمودار شماره ۲ .....
۳۰	نمودار شماره ۳ .....

۳۱	..... فصل دوم : شرح زندگی، افکار و آثار صادق هدایت
۳۳	..... ۱-۲ تاریخ نگار زندگی هدایت
۴۰	..... ۲-۲ تأثیرپذیری و تأثیرگذاری هدایت
۴۲	..... ۳-۲ سبک هدایت
۴۳	..... ۴-۲ تفکر هدایت
۴۶	..... ۵-۲ آثار هدایت
۴۷	..... ۱-۵-۲ داستان ها
۵۰	..... ۲-۵-۲ نمایش نامه ها
۵۰	..... ۳-۵-۲ آثار تحقیقی
۵۱	..... ۴-۵-۲ سفرنامه ها
۵۱	..... ۵-۵-۲ فولکلور یا فرهنگ عامه
۵۲	..... ۶-۵-۲ ترجمه ها
۵۳	..... فصل سوم: تلخیص و تحلیل جامعه شناختی داستان های صادق هدایت
۵۴	..... ۱-۳ مجموعه داستان سگ ولگرد
۵۴	..... ۱-۱-۳ داستان سگ ولگرد
۵۵	..... ۱-۱-۱-۳ تحلیل داستان
۶۰	..... ۲-۱-۳ داستان دن ژوان کرج
۶۱	..... ۱-۲-۱-۳ تحلیل داستان
۶۵	..... ۳-۱-۳ داستان بن بست
۶۷	..... ۱-۳-۱-۳ تحلیل داستان

۷۳	..... ۲-۳ مجموعه داستان سه قطره خون
۷۳	..... ۱-۲-۳ داستان گرداب
۷۴	..... ۱-۱-۲-۳ تحلیل داستان
۷۹	..... ۲-۲-۳ داستان داش آکل
۸۰	..... ۱-۲-۲-۳ تحلیل داستان
۸۴	..... ۳-۲-۳ داستان طلب آمرزش
۸۵	..... ۱-۳-۲-۳ تحلیل داستان
۸۹	..... ۴-۲-۳ داستان لاله
۹۰	..... ۱-۴-۲-۳ تحلیل داستان
۹۳	..... ۵-۲-۳ داستان صورتک ها
۹۴	..... ۱-۵-۲-۳ تحلیل داستان
۹۸	..... ۶-۲-۳ داستان مردی که نفسش را کشت
۹۹	..... ۱-۶-۲-۳ تحلیل داستان
۱۰۳	..... ۳-۳ مجموعه داستان زنده به گور
۱۰۳	..... ۱-۳-۳ داستان حاجی مراد
۱۰۴	..... ۱-۱-۳-۳ تحلیل داستان
۱۰۷	..... ۲-۳-۳ داستان داود گوژ پشت
۱۰۸	..... ۱-۲-۳-۳ تحلیل داستان
۱۱۲	..... ۳-۳-۳ داستان آبجی خانم
۱۱۳	..... ۱-۳-۳-۳ تحلیل داستان
۱۱۷	..... ۴-۳-۳ داستان مرده خورها

۱۱۸	..... ۱-۴-۳-۳ تحلیل داستان
۱۲۱	..... ۴-۳ مجموعه داستان سایه روشن
۱۲۱	..... ۱-۴-۳ داستان زنی که مردش را گم کرد
۱۲۳	..... ۱-۴-۳-۱ تحلیل داستان
۱۲۸	..... ۲-۴-۳ داستان عروسک پشت پرده
۱۳۰	..... ۱-۲-۴-۳ تحلیل داستان
۱۳۴	..... ۵-۳ داستان حاجی آقا
۱۳۵	..... ۱-۵-۳ تحلیل داستان
۱۴۳	..... ۶-۳ داستان علویه خانم
۱۴۴	..... ۱-۶-۳ تحلیل داستان
۱۵۱	..... نتیجه گیری
۱۵۵	..... منابع و مأخذ



نظریه ی بازتاب واقعیت در داستان های صادق هدایت

محدثه هادوی

در طول تاریخ، پیوسته هنر و جامعه بر یکدیگر تأثیر متقابل داشته اند. آثار ادبی به ویژه رمان، ریشه در اجتماع زمان خود دارند و بیانگر مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی جامعه ی خود هستند. جنبه ی واقع گرایانه ی رمان سبب شده تا این نوع ادبی، هم چون آینه ای مسائل زمان خود را منعکس کند.

هدف جامعه شناسی ادبیات، بیان پیوندهای جامعه و ادبیات و نیز آشکارسازی چگونگی بازتاب واقعیت های اجتماعی در آثار ادبی به ویژه در رمان است. نخستین بار کسانی چون مادام دواستال و ایپولیت تین سعی کردند به تعامل جامعه و ادبیات بپردازند. بعدها مارکس و انگلس و به دنبال آن ها، لوکاچ و گلدمن به عنوان بزرگ ترین نظریه پردازان در زمینه ی جامعه شناسی ادبیات، سعی داشتند بین ساختارهای اجتماعی و ساختارهای ادبی تأثیر متقابلی را نشان دهند. آن ها، رمان را انعکاس زندگی اجتماعی عصر نویسنده و نیز زاینده ی جهان نگری خاص او می دانند.

صادق هدایت از داستان نویسان رئالیست معاصر ایران است که بازتاب واقعیت زندگی انسان ها، تحولات اجتماعی و بیان تضادهای جوامع شهری و روستایی از درونمایه های آثار او است. در این رساله سعی شده تا با بررسی مسائل تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ی عصر نویسنده و نیز جهان نگری او، نشان داده شود که جامعه و اثر ادبی همواره بر هم تأثیر نهاده و در پیوند با یکدیگر شکل گرفته اند.

کلید واژه: صادق هدایت، نظریه ی بازتاب، اجتماع، مارکس، لوکاچ و گلدمن.

## abstract

The Theory of Reality Reflection in the Sadegh Hedayat Fiction

Mohaddeseh Hadavi

Art and society have had mutual effect continuously on each other during the history. literary works specially novels have originated in its time community and they represent the social, political, cultural and historical problems of their own society. Realistic aspect of novel has caused this literary genre to reflect its time problems as a mirror.

The purpose of literary sociology is expressing the connection of the society and literature as well as the clarity of the social facts reflection way in literary works specially in novels. Individuals such as Mme De stael and Hypolite taine attempted to work on the society and literature interaction for the first time. later on, Marx and Engles and then Lukacs and Goldmann tired to represent an interaction among social and literary structures, as the greatest theorision in the field of literary sociology. They belive that novels are the social life reflection of the authors time as well as the born of his specific world view.

Sadegh Hedayat is one of the contemporary Iranian realistic novelists whose works theme's the reflection of human life realities, social developments and expressing the city and village societies contrasts. It has been attempted to represent the continuous mutual effect of society and literary works on each other and their related formation through considering the historical, social, political and cultural problems of the society in writers time as well as his world view.

Key words: Sadegh Hedayat, Reflection Theory, community, Marx, Lukacs, Goldmann.

# مقدمه

## توضیح مختصر مسأله و هدف از اجرا

در بحث از ادبیات و جامعه، همواره باید این مسأله را در نظر گرفت که ادبیات ذاتاً پدیده ای اجتماعی است. البته تصویر جامعه در ادبیات کلاسیک، چندان به وضوح منعکس نشده است؛ در حالی که در عصر جدید \_ از دوران مشروطه \_ ادبیات همواره به مثابه آینه ی اجتماع تلقی شده است. هر اثر ادبی کم و بیش از جامعه و تحولات آن تأثیر می پذیرد و تا حدی بر جامعه نیز تأثیر می گذارد که این نشان دهنده ی تعامل ادبیات و جامعه است. این تعامل میان جامعه و ادبیات، مبحثی مهم در میان پژوهشگران و منتقدان در هر دو حوزه ی ادبیات و جامعه شناسی بوده که باعث شکل گیری علم جامعه شناسی ادبیات شده است.

جامعه شناسی ادبیات دانشی میان رشته ای است که پیوسته به دنبال شناخت عنصرهای پیوند دهنده ی اثر ادبی با جامعه ی عصر نویسنده است. با بهره گیری از قوانین و روش های اصولی علم جامعه شناسی و از طریق نگرش جامعه شناختی به ادبیات، می توان به تعامل جامعه و ادبیات پی برد.

ادبیات از ابتدای پیدایش، دستخوش دگرگونی های فکری و فرهنگی گردیده است؛ این دگرگونی ها ریشه در زمینه های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد که در شاخه های گوناگون پدیدار گشته است. یکی از این شاخه ها، رمان و داستان است که ادبیات و اجتماع را با هم همگام می سازد و حقایق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در متن منعکس می کند. مطالعه و بررسی یک اثر ادبی از دیدگاه علم جامعه شناسی با استفاده از اصول و روش های تحقیق، مسأله ی اساسی پژوهش در این عرصه است. داستان و رمان وسیله ی مناسبی برای بیان اندیشه ها و مسائل گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نیز تفکرات و عقاید نویسنده به شمار می آید و از میان انواع ادبی، خوانندگان بیش تری را به خود جذب می کند. بنابراین نویسندگان با بهره گیری از این نوع ادبی، می توانند عقاید و تفکرات خود و نیز مشکلات جامعه را با دقت بیش تری و مطابق خواست خواننده بیان کنند و به تولید یک اثر ادبی مفید پردازند.

نویسنده در پی این است که واقعیات مردم طبقه و جامعه ی خود را در اثرش منعکس کند؛ بنابراین نقد جامعه شناختی ادبیات علاوه بر بررسی ساختار و محتوای اثر ادبی، به بررسی ارتباط بین اثر و جامعه که باعث شکل گیری اثر می شود نیز می پردازد. توجه و دقت نویسنده، به بازتاب واقعیات اجتماعی در اثر ادبی و نیز تأثیر ارزش های اجتماعی جامعه و تحولات سیاسی بر شکل گیری انگیزه و خواست نویسنده، اصلی مهم در تحلیل و نقد جامعه شناختی ادبیات به شمار می رود.

در این پژوهش سعی شده به نقد و بررسی داستان های رئالیستی صادق هدایت از منظر جامعه شناختی، از طریق تحلیل محتوا و نیز بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی عصر نویسنده پرداخته شود و نیز نشان داده شود که هدایت چگونه از واقعیت های اجتماعی تأثیر پذیرفته و آن را در آثارش منعکس کرده است.

هدف اصلی این پژوهش، آشنایی با نظریات جامعه شناسان به ویژه مارکس، انگلس، لوکاچ و گلدمن است و نیز اثبات رابطه ی متقابل میان آثار ادبی و جامعه ای است که نویسنده در آن زندگی می کند تا مطابق نظریات صاحب نظران این علم و با رویکردی جامعه شناسانه، نتیجه ی مورد نظر در این زمینه حاصل شود.

## پیشینه ی تحقیق

در زمینه ی نقد اجتماعی و جامعه شناسی رمان که به بررسی ساختار جامعه و رمان و تأثیر آن ها بر یکدیگر می پردازد، کتاب های زیادی نوشته شده است که علی رغم ترجمه های سنگین و متن دیرپای این کتاب ها مورد مطالعه قرار گرفتند. در زمینه ی داستان و رمان نیز منابع بسیار است و تعدادی از پژوهشگران برجسته ی ایران به نقد و بررسی آثار نویسندگان پرداخته اند که از این منابع در نوشتن این رساله، بهره برده شد. اما آن چه که بیش از همه در این میان راهگشا بود، کتاب هایی بودند که خاص آثار هدایت تألیف گردیده اند.

انتخاب بررسی و تحلیل آثار هدایت با توجه به حجم کارهایی که در مورد او و آثارش انجام شده است، به دلیل علاقه ی محقق و تازگی این رویکرد به آثار هدایت بود. در این رساله سعی شده تا هر داستانی که با موضوع مورد نظر ارتباط داشت، انتخاب شده و به بررسی و تحلیل آن ها با توجه به نظریات اندیشمندان جامعه شناسی پرداخته شود. به طور کلی در حیطه ی تحلیل جامعه شناختی داستان های رئالیستی هدایت، منابع کمی موجود است که در جهت پیش برد رساله ی حاضر مورد مطالعه قرار گرفتند.

## روش تحقیق

روش تحقیق رساله ی حاضر، تحلیلی \_ جامعه شناختی و شیوه ی گردآوری مطالب و اطلاعات، کتابخانه ای است. ابتدا به روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای، آثار مربوط به لوکاچ و گلدمن و نیز مارکس و انگلس مورد مطالعه قرار گرفت و پس از

تهیه ی فیش از مطالب مربوط و نیز مطالعه ی آثار هدایت، به تجزیه و تحلیل آثار هدایت از منظر علم جامعه شناسی پرداخته شد و مطالب مورد نظر به تحریر در آمد.

## ساختار پایان نامه

این رساله در سه فصل تدوین شده است:

(۱) فصل اول: کلیات، که در این فصل مباحثی راجع به جامعه شناسی ادبیات و نظریات مختلف صاحب نظران این عرصه نظیر مارکس، انگلس، لوکاچ و گلدمن مطرح می شود و نیز رابطه ی جامعه و ادبیات و تأثیر متقابل آن ها بر هم، مورد بررسی قرار می گیرد.

(۲) فصل دوم: جهت آشنایی بیش تر با صادق هدایت، مطالبی از زندگی، افکار و آثار او مطرح می شود.

(۳) فصل سوم: در این فصل به تحلیل آثار صادق هدایت بر اساس رویکرد «بازتاب واقعیت» پرداخته می شود. در تحلیل این داستان ها، در نظر گرفتن زمان نوشتن آن ها دارای اهمیت است. هدف این فصل، نشان دادن میزان بازتاب واقعیات اجتماعی در داستان های صادق هدایت است؛ بنابراین آن دسته از داستان هایی که قابلیت انطباق با نظرات مذکور را داشتند، مورد بررسی قرار گرفت. این فصل شامل شش بخش می باشد؛ بخش اول: مجموعه داستان سگ ولگرد (سگ ولگرد، دن ژوان کرج، بن بست)، بخش دوم: مجموعه داستان سه قطره خون (گرداب، داش آکل، طلب آمرزش، لاله، صورتک ها، مردی که نفسش را کشت)، بخش سوم: مجموعه داستان زنده به گور (حاجی مراد، داود گوژپشت، آبیجی خانم، مرده خورها)، بخش چهارم: مجموعه داستان سایه روشن (زنی که مردش را گم کرد، عروسک پشت پرده)، بخش پنجم: داستان بلند حاجی آقا، بخش ششم: داستان بلند علویه خانم. ابتدا خلاصه ای از داستان ها ارائه گردید و بعد مورد تحلیل قرار گرفت.

**فصل اوّل :**

**كَلِمَات**

## ۱-۱ بخش اول: درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات

یکی از شیوه‌های نقد و بررسی اثر ادبی که شیوه‌ای نوین محسوب می‌شود، نقد جامعه‌شناختی ادبیات است. «اصالت جامعه‌شناسی ادبیات در برقراری و تشریح مناسبات جامعه و اثر ادبی است. جامعه‌پیش از اثر وجود دارد و نویسنده را مشروط می‌کند و نویسنده نیز به بازتاب و بیان جامعه می‌پردازد.» (ایوتادیه، ۱۳۷۷: ۹۸)

در نقد جامعه‌شناختی رمان، پژوهشگر پیوسته به دنبال روابط میان جامعه و ادبیات است و روابط متقابل شکل گرفته میان ادبیات به عنوان بازتاب‌دهنده‌ی واقعیات جامعه و جامعه به عنوان نهادی تأثیرگذار به روی ادبیات مورد بررسی قرار می‌گیرد. «جامعه‌شناسی رمان بر اساس دو فرضیه‌ی بنیادین و مکمل گسترش یافته است. بر طبق فرضیه‌ی اول، پیشرفت رمان با پیشرفت فردگرایی بورژوازی هم‌زمان است که هم در عرصه‌ی تولید و هم در عرصه‌ی دریافت این نوع ادبی جلوه‌گر می‌شود. بر اساس فرضیه‌ی دوم، رمان عالی‌ترین متن «رنالیستی» است، زیرا نگارش آن، گرایش علمی و ماتریالیستی بورژوازی را جذب می‌کند. به علاوه رمان برخلاف تراژدی یا حماسه‌ی فئودالی، محافل اجتماعی محدود (اشراف) را برتر نمی‌شمارد بلکه به طبقات شهری و تمام اهالی روی می‌آورد.» (زیما، ۱۳۷۷: ۱۵۷)

یکی از محورهای جامعه‌شناسی ادبیات این است که «در آفرینش هنری، یک فرد به تنهایی مورد نظر نیست بلکه اثر، بیان نوعی آگاهی جمعی است که هنرمند با شدتی بیش از اکثر افراد در تدوین آن شرکت می‌ورزد.» (گلدمن، ۱۳۷۷: ۶۴) جامعه‌شناسی با برگزیدن روشی علمی، عوامل و زمینه‌های اجتماعی تأثیرگذار در شکل‌گیری اثر ادبی و پیوند این عوامل با جامعه و جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی و نیز تأثیر اثر ادبی را بر جامعه مورد تحلیل قرار می‌دهد. در این بررسی‌ها، محقق ساختار اثر ادبی را با ساختارهای اجتماعی می‌سنجد و افکار و اندیشه‌های نویسنده را در پیوند با این ساختارهای اجتماعی بررسی می‌کند. از آن جایی که ادبیات ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد، به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی به آن نگرسته می‌شود.

جامعه‌شناسی ادبیات با ایجاد رابطه میان ادبیات و جامعه، از یک سو به بیان روابط جامعه و اثر ادبی می‌پردازد و از سوی دیگر، به توصیف نحوه‌ی بازتاب وقایع جامعه در اثر ادبی می‌پردازد. «ادبیات، از ذات زندگی اجتماعی می‌تراود و یکی از عوامل ضروری حیات اجتماعی است و پایاپای تحولات جامعه، تحول می‌پذیرد.» (آریان پور، ۱۳۵۴: ۷۶)



بحث اصلی در جامعه‌شناسی ادبیات، ارتباط میان جامعه و ادبیات است. در این مبحث سعی شده تا علاوه بر پرداختن به ارتباط متقابل ادبیات و جامعه، روش‌های علمی به کار رفته در جامعه‌شناسی ادبیات و نظرات اندیشمندان این علم نیز مطرح شود تا با پیش‌زمینه‌ی فکری وارد بحث جامعه‌شناسی ادبیات شویم.

## ۱-۱-۱ رابطه‌ی جامعه و ادبیات

تعامل میان جامعه و ادبیات و تأثیر آن دو به روی هم، بحثی است که از گذشته تاکنون ذهن پژوهشگران جامعه‌شناس را به خود مشغول کرده است. در هنگام نقد جامعه‌شناختی اثر ادبی، نخستین چیزی که ذهن پژوهشگر را درگیر می‌کند، مسأله‌ی روابط متقابل ادبیات و جامعه و تأثیر و تأثر آن دو است.

هنر و جامعه پیوسته به روی هم تأثیر متقابل داشته‌اند؛ ادبیات نیز به عنوان هنر از این قاعده مستثنی نیست. «رمان از نظر شکل و محتوا، نسبت به بقیه‌ی هنرها شاید به جز سینما، به طور مستقیم‌تری از پدیده‌های اجتماعی مایه می‌گیرد و با وجود این که رمان‌ها غالباً وابسته به لحظات خاص جامعه هستند، هنگام مطالعه‌ی آن‌ها باید توجه داشته باشیم که با نوعی هنر سر و کار داریم. (زرافا، ۱۳۶۸: ۹) در واقع «نویسنده‌ی رمان، گزارشگر طبقات واقعی جامعه است، طبقات دوگانه‌ای که منش بورژوازی و ضد بورژوازی را نمایش می‌دهد. از همین رو ساختار رمان با ساختار جامعه پیوند می‌خورد، یعنی بین رمان و واقعیت اجتماعی شباهت ساختاری وجود دارد.» (تسلیمی «ب»، ۱۳۸۸: ۱۷۵) بنابراین یک اثر ادبی را باید در ساختار جامعه‌ای که اثر در آن پدید آمده است، بررسی کرد.

از آن جایی که ادبیات هر جامعه، متأثر از محیط طبیعی و اجتماعی آن جامعه و تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن، شکلی خاص به خود می‌گیرد، اگر پژوهشگری بخواهد به بررسی یک اثر ادبی که موضوع پژوهش او را تشکیل می‌دهد بپردازد، باید آن را در غالب ساختار اجتماعی، فرهنگی تبیین کند. برای تحلیل یک رمان، «باید آن را در وابستگی با زمینه‌ی تاریخی و شرایط مادی و ایدئولوژیکی زمان نگارشش ارزیابی کنیم.» (م.ایرانیان، ۱۳۵۸: ۱۷) یعنی باید به شرایط اجتماعی و تاریخی که اثر در آن تولید شده، توجه نشان داده شود و هم‌چنین زمینه‌های فرهنگی و باورهای مردم در یک اجتماع نیز در هنگام بررسی و تحلیل اثر ادبی باید مورد توجه واقع شود، زیرا «آثار ادبی یکی از منابعی هستند که به صورت غیرمستقیم و ناخودآگاه، ساختار اجتماعی، شرایط زندگی، وضعیت قشرها و طبقات گوناگون و حتی دیدگاه و ایدئولوژی نویسنده را بیان می‌کنند.» (کوثری، ۱۳۷۹: ۱۵)

در تأثیر متقابل جامعه و ادبیات، تأثیراتی که جامعه بر نویسنده به عنوان تولید کننده ی اثر ادبی می گذارد، حائز اهمیت است، زیرا نویسنده به عنوان پدید آورنده ی اثر، در تحلیل واقعیات زندگی افراد و بازتاباندن آن در متن داستان، نگاهی دقیق تر و عمیق تر از دیگران دارد. نویسنده تحت تأثیر محیط اجتماعی و فرهنگی جامعه، به آفرینش اثر ادبی می پردازد و اندیشه ها، باورها و جهان نگری خود را در اثر منعکس می کند.

بنابراین با طرح این پیش زمینه که ادبیات به ویژه رمان، بازتابی از جامعه ی عصر خود است، منتقد ادبی یا پژوهشگر جامعه شناسی ادبیات باید با در نظر گرفتن پدیده های اجتماعی و تاریخی زمان تولید اثر و تحولات مختلف آن، بیان کند که ادبیات تا چه اندازه از مسائل و تحولات اجتماعی و تاریخی زمان خود تأثیر پذیرفته است. به عبارتی «نوعی تداوم یا توازن میان تحلیل جامعه شناختی رمان و رشد تاریخی آن وجود دارد. امروزه دیگر رمان نویس، فردی نیست که تنها با توصیف پدیده های اجتماعی و روانی در ارتباط باشد. جامعه شناس بیش تر با مفهوم زندگی اجتماعی در نظر نویسنده سر و کار دارد و در نتیجه، موقعیت و آگاهی طبقاتی نویسنده نیز برای او اهمیت دارد.» (زرافا، ۱۳۶۸: ۵۶)

## ۱-۲ بخش دوم: نظریه پردازان جامعه شناسی ادبیات

بعد از بیان این مسأله که ادبیات و جامعه تأثیر متقابل بر هم دارند، اشاره به دیدگاه هایی که نخستین بار به بررسی و بیان این مسأله پرداختند و هم چنین سیر و پیشرفت این علم در طول تاریخ و مهم ترین نظریه پردازان آن، ضروری است.

مفهوم ارتباط بین جامعه و ادبیات از قدیم بین اندیشمندان محل تأمل بوده است؛ نخستین جرّقه های آن به افلاطون<sup>۱</sup> و بعد از آن به ارسطو<sup>۲</sup> باز می گردد که به گونه ای غیر مستقیم مسأله ی تعامل ادبیات و جامعه را بیان کرده اند. اما به صورت جدی و مشخص، در آغاز قرن نوزدهم میلادی اولین پایه های علم جامعه شناسی ادبیات بنیان نهاده شد؛ مادام دواستال<sup>۳</sup> در سال ۱۸۰۰ میلادی در کتاب خود با عنوان **ادبیات از منظر پیوندهایش با نهادهای اجتماعی**، از تأثیر دین و آداب و قوانین به عنوان یک نهاد اجتماعی بر روی ادبیات و نیز تأثیر ادبیات بر دین و آداب و قوانین سخن گفت. البته «بسیاری از مطالب کتاب به ادبیات ربطی ندارد و نمونه ی دیگری است از نگرش اجمالی به تاریخ مغرب زمین به شیوه ی نظریه پردازانه ای که

---

<sup>1</sup> Plato

<sup>2</sup> Aristote

<sup>3</sup> Mme De stael

مطلوب نویسندگان قرن هجدهم بود، که مفهوم روح قومی را مطرح کرد و منظور از آن، نگرش خاص موجود در دوره ای خاص است. با این وجود، نطفه ی نظریه ی ادبی در کتاب موجود است.<sup>۱</sup> (ولک، ۱۳۷۹: ۲۶) بعد از مادام دواستال، ایپولیت تین<sup>۱</sup> (۱۸۲۸- ۱۸۹۳) که او را «بنیان گذار علم جامعه شناسی ادبیات» می دانند، تعریف تازه ای از پیوند جامعه و ادبیات ارائه داد. تأکید اصلی نظریه ی تین بر سه مفهوم نژاد، محیط و زمان است. او معتقد است که پدیده های اجتماعی و نیز ادبیات، تحت تأثیر این سه عامل قرار دارند. او سعی داشت تا از منظر عوامل زیستی، فرهنگی و تاریخی \_ که آثار ادبی نتیجه ی تعامل این سه دسته اند\_ به تحلیل اثر ادبی بپردازد. منظور او از نژاد در این نظریه، همان روح قومی است که در آثار ادبی تجلی می یابد و محیط نیز در بردارنده ی عناصر اقلیمی و اوضاع سیاسی و اجتماعی حاکم بر یک ملت است که به انسان هایی که در آن هستند، ویژگی های خاص می بخشد که این ویژگی ها از نظر محتوا و فرم، بر آفرینش های ادبی تأثیر می گذارد. زمان نیز همان «روح زمان» است به همراه ذوق و گرایش مردم جامعه در دوره ای خاص.

ایپولیت تین از جامعه شناسی علمی ادبیات ناتوان است زیرا او فقط از تأثیر نژاد و محیط و زمان بر نویسنده سخن می گوید ولی نمی تواند میزان تأثیرگذاری این عوامل را در آفرینش اثر ادبی مشخص سازد؛ اما به واسطه ی نظریات تن، جامعه شناسی ادبیات گامی بلند در جهت پیشرفت و کامل شدن برداشت. در قرن بیستم با گسترش مکاتب فلسفی، ادبی و روان شناختی، نظریات جامع تری درباره ی رابطه ی جامعه و ادبیات و نیز رابطه ی ادبیات با مخاطبان، تدوین و عرضه شد (عسگری، ۱۳۸۶: ۴۷) که مهم ترین آن ها تحت تأثیر عقاید کارل مارکس<sup>۲</sup> (۱۸۱۸\_ ۱۸۸۳) فیلسوف و اقتصاد دان آلمانی شکل گرفت و مارکسیسم بر نظریات ادبی و جامعه شناختی قرن بیستم تسلط یافت. از نظر مارکس، ادبیات به عنوان یک نهاد روبنایی، تحت تأثیر ساختارهای اقتصادی جامعه به عنوان نهاد زیربنایی قرار دارد و اقتصاد زیربنایی است که نهادهای روبنایی هم چون سیاست، حکومت، قانون، هنر و ادبیات را پایه گذاری می کند. مارکسیست ها به ادبیات به عنوان سلاحی برای مبارزه می نگرستند و معتقد بودند که طبقه ی کارگر باید از ادبیات به عنوان سلاحی برای احقاق حقوق از دست رفته ی خود استفاده کند. (همان: ۴۷)

تحت تأثیر این عقاید مارکسیستی، نظامی شکل گرفت که مبارزه ی طبقاتی و دفاع از حقوق کارگر را مبنای کار خود قرار داد. از نظر مارکسیست ها، ادبیات گزارشگر صریح واقعیت اجتماعی و تحولات آن است و رابطه ای مستقیم میان ادبیات و اجتماع وجود دارد و از آن جایی که نویسنده، واقعیات اجتماعی را در متن ادبی بازتاب می دهد، بنابراین ادبیات بر جامعه تأثیر

<sup>1</sup> Hypolite taine

<sup>2</sup> Karl Marx

می‌گذارد و نیز از آن اثر می‌پذیرد. این نگاه جبرگرایانه بخش زیبایی‌شناختی اثر را نادیده می‌گیرد و وظیفه‌ی آن را به انتقال آگاهی جمعی محدود می‌کند و مقام آن را به خدمتگزاری سیاست پایین می‌آورد. اما همین نظریات مارکسیستی، آغازگر بسیاری از مباحث مهم در علم جامعه‌شناسی ادبیات است. بعدها جورج لوکاک<sup>۱</sup> (۱۸۸۵-۱۹۷۱) و به پیروی از او، لوسین گلدمن<sup>۲</sup> (۱۹۱۳-۱۹۷۰) با استفاده از این عقاید مارکسیستی، به عنوان بزرگ‌ترین جامعه‌شناسان ادبیات، در جهت پیشرفت این علم کمک شایانی کردند و مبانی و نظریات آن را گسترش دادند که در ادامه به طور مفصل به آن خواهیم پرداخت.

پیش از شرح تفصیلی نظریه‌های نقد جامعه‌شناختی ادبیات، لازم است به بررسی دو رویکرد مهم در مطالعات جامعه‌شناختی ادبیات بپردازیم.

## ۱-۲-۱ جامعه‌شناسی تولید اثر ادبی

در این مقوله، پدیده‌ی ادبی هم چون فرآیند اقتصادی در نظر گرفته می‌شود که سه عامل مهم در این راستا همانند سایر پدیده‌های اقتصادی، تولید، توزیع و مصرف است. در این فرایند، سه گروه از افراد مشاهده می‌شود: نویسندگان به عنوان تولیدکنندگان اثر ادبی هستند، ناشر به عنوان توزیع‌کننده‌ی آثار و خوانندگان همان مصرف‌کنندگان هستند. برجسته‌ترین تحقیقات در این زمینه، پژوهش‌های روبر اسکارپیت<sup>۳</sup> فرانسوی است که از دریچه‌ی پیوند اثر ادبی با مقولات اقتصادی وارد جامعه‌شناسی ادبیات شد. (عسگری، ۱۳۸۶: ۴۸) اسکارپیت می‌گوید: «در هر نقطه‌ای از این شبکه، حضور افراد آفرینشگر، آثار و جمع خوانندگان، مسائلی را پیش روی ما قرار می‌دهد: حضور افراد آفرینشگر، مسائل تفسیرهای روانی، اخلاقی و فلسفی را مطرح می‌سازد؛ آثار که نقش میانجی را بر عهده دارند، مسائل زیبایی‌شناختی، سبک، زبان و صنعت نگارش را پیش روی ما می‌گذرانند و سرانجام جمع خوانندگان، مسائل تاریخی، سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی را مطرح می‌کنند. به عبارت دیگر پدیده‌ی ادبی را در این سه عرصه- دست‌کم- به صدها شکل می‌توان بررسی کرد.» (اسکارپیت، ۱۳۷۶: ۹)

<sup>1</sup> Georges Lukacs

<sup>2</sup> Lucien Goldmann

<sup>3</sup> Robert Escarpit